

فقط او، فقط رئیس^۱، بود که اجازه داشت با قانون بازی کند. کارگزار او، یژوف، وظیفه دیگری داشت: نابود کردن سریع و موثر جناح قدیمی حزب. او حد اکثر تلاش خود را می کرد.

یژوف در ۱۲ نوامبر ۱۹۳۸ به علت کمبود وقت (چون شبانه روز در حال تیرباران کردن افراد بود) شتابانه روی تکه کاغذ کتیفی لیستی از افراد دستگیر شده به اتهام ارتکاب جرایم مستحق اعدام را نوشت و برای استالین فرستاد. روی این تکه کاغذ این جمله نوشته شده: «همه ۳۱۶۷ نفر باید تیرباران شوند»، و توسط استالین و مولوتوف امضا شده است. اوگاهی اوقات، اما نه خیلی زیاد، نامهایی را از این لیست های وحشتناک حذف می کرد. پاسترناک و شولوخوف از جمله نامهایی بود که اغلب حذف می شد، چون احتمالاً هنوز برای حزب فایده داشتند.

امضای استالین در پایین ۳۶۶ لیست که جمعاً شامل اسامی ۴۴ هزار نفر می گردد، دیده می شود. آنها به آرامی و بدون شکایت به پای چوبه دار می رفتند و در حالی که با شور و حرارت از رهبر تقدیر و تحسین می کردند، جان می دادند.

.....

.....در تمام این مدت کمیساریای خلق در امور داخلی این داستان را در همه جا پخش می کرد که استالین چیزی از «زندگی شبانه» نمی داند و جاسوس های بیشماری که خود را در کمیساریا جای داده و در آن رخنه کرده اند، عملیات ترور را از استالین پنهان می کنند. روشنفکران سخت تلاش کردند تا این داستان را باور کنند و وجدان خود را آسوده سازند. آنها تملق او را می گفتند و چاپلوسی می کردند اما نمی خواستند عزت نفس خویش را از دست بدهند. برای مثال پاسترناک به ارنبرگ می گفت: «ای کاش یک نفر همه چیز را با استالین در میان می گذاشت.»

.....

برگرفته از «زندگینامه استالین» نوشته ادوارد راژینسکی، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات ۱۳۹۰.

^۱ Stalin